

برای به اهتزاز نگه داشتن درفش مبارزه کمونیستی در کشور از زندگی و کارنامه سیاسی رفیق ضیاء بی‌آموزیم

پس از فروپاشی «سازمان جوانان مترقی» در افغانستان، مبارزه کمونیستی اصولی عمدتاً توسط حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان تحت رهبری رفیق ضیاء پیش برده شده است. در دهه‌ی هفتاد میلادی، زمانی که خطوط انحرافی بر جنبش چپ کشور غلبه کرده بود، رفیق ضیاء برای احیای مجدد این جنبش بر خط اصولی کمونیستی (مارکسیستی-لنینیستی-مائونیستی) مبارزه کرد. تشکیل حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان و دستیابی به برنامه سیاسی انقلاب افغانستان عمدتاً از دستاوردهای تیوریک و عملی رفیق ضیاء است که در نتیجه‌ی مبارزه علیه سردرگمی‌های ایدئولوژیک-سیاسی و انواع خطوط انحرافی حاصل گردیده است. در زمانی که انحرافات و بی‌باوری گسترده بر کل جنبش چپ کشور و جهان سایه انداخته بود، رفیق ضیاء درفش مبارزه اصولی کمونیستی (مارکسیستی-لنینیستی-مائونیستی) را در افغانستان برافراشت و مبارزه ایدئولوژیک-سیاسی علیه تسلیم‌طلبی ملی، طبقاتی و خطوط انحرافی در درون سازمان آزادی‌بخش مردم افغانستان (ساما) را آغاز نمود. در این مبارزه رفیق ضیاء یک جمع‌بندی انتقادی از گذشته جنبش کمونیستی کشور و به‌خصوص از تجارب مبارزاتی چپ افغانستان در جنگ مقاومت علیه اشغال سوسیال‌امپریالیزم شوروی ارائه داد. این جمع‌بندی انتقادی و تیوریک از پراتیک مبارزاتی چپ کشور، شالوده تیوریک و ایدئولوژیک-سیاسی جنبش نوین کمونیستی افغانستان را بنیان نهاد. رفیق ضیاء زمانی پیشگام مبارزه کمونیستی در افغانستان شد که در سطح جهانی ضد انقلاب «مرگ کمونیسم» را اعلام کرده و در افغانستان دولت مجاهدین پیروزی‌اش بر رژیم دست‌نشانده سوسیال‌امپریالیزم شوروی را زیر نام «مرگ کمونیسم» تجلیل می‌کرد؛ در چنین شرایطی رفیق ضیاء و باقی یارانش سازمان‌های پیشا حزبی را بنیان نهادند و برای تشکیل حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان مبارزه را آغاز نمودند.

از دست دادن نابهنگام رفیق ضیاء برای تمام اعضای حزب بسیار تکان‌دهنده بود؛ برای بسیاری از رفقای که مبارزه سیاسی را زیر رهبری رفیق ضیاء آغاز کرده‌ایم، پیشبرد مبارزه سیاسی و به اهتزاز نگه داشتن درفش کمونیسم بدون راهنمایی‌های او را دشوار یافتیم؛ اما با الگو قرار دادن کارنامه‌ی مبارزاتی رفیق ضیاء، ما متعهد به پیشبرد برنامه‌ی سیاسی و استراتژی‌ی حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان هستیم و برای تحقق این هدف از هیچ تلاشی دریغ نخواهیم کرد.

رفیق ضیاء نمونه کاملی از یک انقلابی کمونیست بود که هرگز خوش بینی انقلابی را کنار نگذاشت. در عصری که همه آیات یاس می‌خوانند و از شکست و «پایان تاریخ» صحبت می‌کنند، رفیق ضیاء ایمانش را به رسالت تاریخی پرولتاریا، منسوخی نظام سرمایه‌داری و ضرورت ساختن جهان بهتر را از دست نداد و برای گسترش این باور مبارزه کرد.

او برای پیشرفت امر انقلاب و گسترش روحیه‌ی مبارزاتی تلاش کرد و خواستار وحدت گروه‌های کمونیستی در افغانستان و جهان بود. با وجود غالب بودن روحیه پرخاشگری و عدم تشکیلات پذیری چپ کشور، رفیق ضیاء همواره علیه این روحیه و رویکرد چپ افغانستان که به آسانی وارد جنجال‌های بی‌ثمر و جدل‌های سیاسی، تشکیلاتی-انتاگونیستی می‌شود، مبارزه نمود. او بارها دست دوستی و وحدت به سوی کسانی دراز کرد که در زمان اختلاف سیاسی-ایدئولوژیک‌شان، بر حزب و رفیق ضیاء اتهامات بی‌اساس، تند و غیررفیقانه وارد کرده بودند. رفیق ضیاء در مقابل این برخوردها، از خود نرمش نشان داده و با گذشت و روحیه رفیقانه مخالفانش را به وحدت دعوت کرد. رفیق ضیاء در طول زندگی سیاسی‌اش و به

خصوص در زمان بحث‌های ایدئولوژیک-سیاسی، هرگز وارد پرخاشگری، تندگویی نشد و تلاش کرد در عمل به دیگران نشان دهد که بحث، اختلاف و جدل‌های ایدئولوژیک-سیاسی را چگونه باید پیش برد. او همچنان در روابط درون حزبی، روحیه رفیقانه داشت و تلاش می‌کرد رفقای حزبی را در عمل و با روحیه رفیقانه متوجه اشتباهات‌شان نماید و این برخورد را به دیگران نیز توصیه می‌کرد. حزب ما و جنبش چپ کشور باید از این روحیه بیاموزد و آن را الگویی برای وحدت‌طلبی و پیشبرد مبارزات ایدئولوژیک-سیاسی قرار دهد. حتی در تطبیق اصل «انتقاد و انتقاد از خود» نیز رفیق ضیاء همواره بر انتقاد اصولی برای اهداف سیاسی و برای «نجات بیمار» تاکید داشت و از افراد و گروه‌هایی که «به شش جهت حمل‌ور» می‌شوند و مبارزه ایدئولوژیک-سیاسی را با کشتی‌گیری و «اوقات‌تلخی» یکی می‌گیرند، انتقاد می‌کرد.

رفیق ضیاء معتقد بود که پیش‌برد مبارزه انقلابی به آموزش و پژوهش مداوم نیاز دارد. از این‌رو، او تا آخرین لحظات زندگی‌اش مشغول آموزش و پژوهش بود، زیرا به باور او، بدون دانش تیوریک، پیش‌برد اصولی کارهای حزب و تطبیق عملی برنامه سیاسی حزب ناممکن است. رفیق ضیاء در قبال انقلاب افغانستان و تطبیق برنامه حزب احساس مسئولیت می‌کرد، کادرهای پیر و جوان حزب را به آموزش و یادگیری تشویق می‌نمود. حزب ما باید از این روحیه رفیق ضیاء بیاموزد و در کنار تربیت و آموزش کادرهای حزبی، به رفع کمبودهای معرفتی و تیوریک اش نیز بپردازد گزارش بازسازی حزب از توجه ویژه روی تربیت کادرهای حزبی خبر می‌دهد؛ ما باید از این رویکرد حمایت کرده، آن را وسیله‌ای برای تجلیل و الگوبرداری از زندگی و کارنامه رفیق ضیاء قرار دهیم.

رفیق ضیاء منتقد کیش شخصیت و برخورد غیر علمی، غیر کمونیستی با رهبران احزاب کمونیست و سازمان‌های چپ در افغانستان و در سطح جنبش بین‌المللی بود. وقتی احزاب و سازمان‌های چپی از رهبران شان به عنوان «ابر رهبر»، «ابر مرد»، «خطاناپذیر» و غیره یاد می‌کردند، رفیق ضیاء با غیر علمی و ضد کمونیستی دانستن این رویکرد، تاکید داشت که در احزاب کمونیستی رهبری جمعی، مسئولیت فردی است و داشتن رهبران مافوق سانت‌ریالیزم دموکراتیک و مافوق تشکیلات حزبی، خلاف اصول کمونیستی است. او حتی منتقد برخی از برخوردهای اغراق‌آمیز حزب کمونیست چین با مائو بوده و می‌گفت که حزب ما این جنبه از عمل‌کرد حزب کمونیست چین را بخشی از مائوئیزم نمی‌داند. مطابق به آموزه‌های علمی ماتریالیزم تاریخی، رفیق ضیاء بر مبارزه طبقاتی به عنوان نیروی محرکه تاریخ تاکید داشت و توده‌ها را سازندگان تاریخ می‌دانست. به این دلیل رفیق ضیاء، زندگی‌اش را صرف مبارزه برای ایجاد، استحکام و گسترش حزب، تربیت کادرهای حزبی، و مبارزه انقلابی کرد.

بنابراین، حزب ما، در برابر تربیت کادرهای حزبی، گسترش تشکیلات و سازماندهی توده‌ها مسئولیت دارد، زیرا این یگانه راه رسیدن به اهداف انقلابی‌ای است که رفیق ضیاء آن را در برنامه حزب ترسیم کرده است.

واحد شماره شش، حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۲۹ جون ۲۰۲۱